

Farsi - Offspring not Orphans

(Preached by Cheryl Williams f@ Footscray Baptist Church, May 14th, 2023 - John 14:15-21 & Acts 17:22-31)

در یک حومه سرسبز در جبلونگ، مناظر تحت سلطه یک ساختمان بسیار بزرگ است که اکنون به یک مدرسه و شهرک مسکونی تبدیل شده است. وقتی من بچه بودم، همه می دانستیم که این مکان جایی است که بچه های بدبخت» در آن زندگی می کنند، یتیم خانه سنت آگوستین. مدتها پیش با بسیاری از رازهای بسته شد، چیزهای وحشتناکی در داخل دیوارهایش اتفاق افتاد، مانند بسیاری از یتیم خانه ها. زمانی استرالیا 800 یتیم خانه داشت و برخی از آنها صدها کودک را در خود جای داده بودند، کودکانی که والدینشان فوت کرده بودند یا والدینشان نمی توانستند از آنها مراقبت کنند. یونیسف تخمین می زند که بیش از 153 کودک بی سرپرست در سراسر جهان وجود دارد. آنها به شیوه خودشان باید تعجب کنند که چه اتفاقی برای آنها خواهد افتاد، چه کسی از آنها مراقبت خواهد کرد چه کسی در کنار آنها خواهد ایستاد.

من با زنانی کار کردم که در چنین مکان هایی زندگی می کردند و از این تجربه آسیب دیده بودند، اگرچه در حدود سالگی آن مؤسسات را ترک کردند، اما در دهه هشتاد زندگی شان هنوز زخمی از این اتفاق افتاده بودند. من 15 داستان هایی از آنها شنیده ام که مجبور بودند زمین را با مسواک تمیز کنند، به خاطر خیس کردن تخت در کودکی تنبیه شدن به خاطر خیس کردن تخت، آنها با کمر بند تنبیه می شدند و احساس تنهایی می کردند. برخی از آنها به دلیل فوت والدینشان، در این مکانها بودند. پسرعموهای مادرم به دلیل جدایی والدینشان در خانه خود بودند، و آنها باید در جایی زندگی می کردند تا مادرشان بتواند دوباره روی پاهای خود بایستد. گاهی خواهر و برادر از هم جدا می شدند. یک زن زمانی که یک سال به او یک هدیه کریسمس دادم گریه کرد و توضیح داد که چون در یتیم خانه بزرگ شده است، هرگز هدیه کریسمس دریافت نکرده است.

تنگ عظیمی در ارتباط با یتیم بودن وجود داشت و هست. گروهی وجود دارد که به افرادی که دهها سال پیش این مکانها را ترک کرده اند به نام «استرالیایی های فراموش شده» کمک می کنند و آسیب هایی را که در دوران پیری ایجاد می شود به ما یادآوری می کنند. صدای به هم خوردن کلیدها به آنها یادآور قفل شدن در اتاق ها است. بوی مواد ضد عفونی کننده تمیز کردن دست ها و زانوهایشان را به یاد آنها می اندازد - اینها چیزهایی است که آنها در بیمارستان ها و مراکز مراقبت از سالمندان تجربه می کنند و باعث آسیب مجدد می شوند.

من حدس می زنم یکی از معروف ترین یتیم هایی که به آن فکر می کنیم الیور توییست است. الیور که در کودکی یتیم شده بود، در خانه ای بزرگ می شود که در واقع فقط یک کارخانه کار کودکان بود. بچه ها غذای کمی دریافت می کردند و قرعه کشی می کردند تا غذای اضافی بخواهند، یک روز نوبت به الیور رسید، و همه ما آن کلمات را به یاد می آوریم - بیشتر شبیه - شورش در می آید و الیور فرستاده می شود. سپس درگیر می شود و به لندن می گریزد. در آنجا او با گروهی از دزدها درگیر می شود و توسط فاکان به عنوان جیب بری آموزش می بیند - که در انگلستان دوره ویکتوریا غیر معمول نیست.

من در سال 2018 با فوت پدرم یتیم شدم. با این حال، سالها قبل من به طرز بی ادبانه ای با این ایده مواجه بودم و چند زن مسن تازه متوجه شده بودند. یکی از آنها که BUV شدم. مادرم تازه فوت کرده بود و من در جلسه، به خوبی می شناختم، به سادگی اعلام کرد «خب حالا تو یتیمی»، من وحشت کردم، زخمی شدم، اندوهم برگشت آسیب پذیری ام را به یاد آوردم. من نه تنها به دلیل عدم همدلی او بلکه به دلیل انگی که با یتیم بودن همراه بود صدمه دیدم. یکی دیگر از دلایل عصبانیت من این بود که نبودم، زیرا پدرم با توجه به اینکه همسر 48 ساله خود را به

تازگی از دست داده بود، هنوز زنده و نسبتاً خوب بود. حدس می‌زنم که با حس رها شدن، تنها بودن و تنها بودن مرگ و میر مواجه شدم.

شرکت کرده بودم و BUV مدت زیادی بعد از آن رویداد من در یک جلسه طولانی و خسته کننده شورای اجرایی به خانه برگشتم و فقط تصمیم می‌گرفتم که استعفا بدهم یا نه. تلفن زنگ خورد، فکر کردم یکی دیگر از اعضای شورا است که حالم را چک می‌کند. نه، عمو تیو بود، حالا عمو تیو از ناگالند در شمال شرقی هند تماس می‌گرفت و من حدود هفت سال پیش از آن که در یک کنفرانس باپتیست در ملبورن شرکت کرده بودم میزبان او بودم. او مرد مهمی در ناگالند بود، یک سیاستمدار و وقتی اینجا بود، او را به خانواده ام معرفی کرده بودم. (ناگالند محصور در خشکی است). تازه از یکی دیگر فهمیده بود که مادرم مرده است. او زنگ می‌زد تا تسلیت بگوید، به من بگوید که او هم دلش برایش تنگ شده و بعد گفت فقط می‌خواهد بدانم که تنها نیستم، او و خانواده اش با من هستند! چه تضاد با حرف های زن دیگر. نه یک یتیم، بلکه کسی است که دیگران او را مایل ها دوست داشتند. بیدی یتیم کوچولو (نامی که مادرم مرا صدا می‌کرد) یتیم نبود، خدا افرادی را در زندگی من قرار داده بود، حتی در آن سوی دنیا که به من یادآوری کردند که تنها نیستم. این کمی از چیزی است که من فکر می‌کنم عیسی سعی دارد به شاگردانش بگوید

کتاب مقدس در مورد نیاز به مراقبت از یتیمان و بیوه ها روشن است. مزمور نویس به ما یادآوری می‌کند که خدا یتیم و بیوه را تسکین می‌دهد (مزمور 146:9). و در تجربه من می‌توانم دلیل آن را بفهمم. برای بسیاری این «تجربه به شدت دردناک است و همانطور که الیور به ما می‌آموزد و همچنین تجربه «استرالیایی های فراموش شده برای استنمار آماده است

تصور می‌کنم درد یتیم با کسی که ترک می‌شود همسان است. عیسی این را می‌فهمد، او می‌داند که رفتن او باعث ناراحتی پیروانش می‌شود، و ممکن است بگویم او را نیز ناراحت کنید. این تجربه شبیه یتیم شدن خواهد بود. در خواندن امروز ما، او تمام تلاش خود را می‌کند تا به پیروان خود یادآوری کند که آنها تنها نخواهند بود و حتی پس از ترک او قادر به برقراری ارتباط با یکدیگر نیستند. او از عطای خود، هدیه روح، هدیه حضور دائمی خدا برای تسلی، روشنگری، راهنمایی، راهنمایی، دفاع و حمایت از ما برای همیشه می‌گوید. ما تنها نیستیم. عیسی غایب و در عین حال حاضر خواهد بود، ما به فرزندخواندگی تعلق خواهیم داشت، امنیت را می‌شناسیم و مورد محبت قرار می‌گیریم زیرا بخشی از این خانواده جهانی خدا می‌شویم

پولس نیز می‌دانست که خدا ما را رها نمی‌کند. در آتن که با مجسمه‌های مذهبی بسیاری و سنگ یادبود «خدای ناشناخته» مواجه شد، می‌دانست که خدایش متفاوت است. خدای پولس شناخته شده بود، حاضر بود، صمیمی بود زنده بود و هرگز دور نبود. می‌گوید ما فرزندان هستیم نه یتیم. ما تنها و یتیم نیستیم، کسی که می‌آفریند، عشق می‌ورزد، آشتی می‌دهد، راه حقیقت را به ما نشان می‌دهد، راه آینده را به ما نشان می‌دهد، حضوری ماندگار با ماست.

همانطور که عمو تیو به من یادآوری کرد، ما تنها نیستیم، ما را دوست دارند. همانطور که گوستاوو گوتیرز مشاهده می‌کند، حضور دائمی روح است که ما را قادر می‌سازد فرزندان خدا باشیم، فرزندان خدا و نه یتیمان

با این حال، این رابطه چیزهای بیشتری دارد، دو طرفه است، رابطه است و همانطور که ما را دوست دارند، به عشق فراخوانده شده ایم. حفظ اوامر خدا همیشه مربوط به عشق است - عشق به خدا و عشق به همسایه. جامعه عشق است.

این نوع عشق به این معنی است که ما نمی‌توانیم به دیگران اجازه دهیم یتیم زندگی کنند، در پریشانی و درد زندگی کنند، طرد شده یا آسیب دیده زندگی کنند، زندگی های تنهایی داشته باشند، به گونه ای زندگی کنند که احساس رها شدن یا بی امیدی کنند. این باید بر نحوه استقبال از پناهجویان که به شدت احساس رها شدن می‌کنند، تأثیر

بگذارد. این باید بر نحوه استقبال از بی خانمان ها تأثیر بگذارد. این باید بر روشی که ما با آن دسته از اعتیادها مبارزه می‌کنیم، تأثیر بگذارد. این باید بر نحوه رفتار ما با افرادی که توسط دیگران یا سیستم مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند، تأثیر بگذارد. این باید بر نحوه تلاش ما برای درک افرادی که مورد آزار قرار گرفته‌اند تأثیر بگذارد. ما با هم فرزند هستیم و یتیم نیستیم

ما تنها نیستیم، در خدا زندگی، عشق و هستی داریم و به همین دلیل نمی‌توانیم اجازه دهیم دیگران با احساس تنهایی فلج شوند، اما سخت است. به قول لئونیک - ما فراخوانده شده ایم که یکدیگر را دوست بداریم، به همین راحتی و به همین سختی است. آمین